

یادداشت

به جای طلا اثر هنری بخريد



مجید فروغی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی چند روز پیش در بازدید از نمایشگاه «هفت نگاه» به مردم پیشنهاد و توصیه کرد به جای طلا، اثر هنری خریداری کنند تا سرمایه شان افزوده شود و پول بیشتری به جیبشان برود.

خطاب علی جنتی در این سخن، هم افرادی هستند که شغل و حرفه اصلی شان سرمایه گذاری و خرید و فروش طلا، ارز، زمین و ملک... است و هم مردم کارمند و راننده و نانوا و خانه دار که گاهی با هزار ریخ و سختی و بیشتر کار کردن و کمتر خوردن پولی ته جیبشان می ماند و با هزار طمع و آرزو سسکه و آرزو طلا می خرید و گوش به زنگ اخبار می ماند تا روزی گران شود و بفروشد.

وزیر ارشاد خطاب به این دو گروه می گوید که شما که دنبال سود و پول بیشتر هستید، سود آثار هنری از طلا و برج سازی و بساز و بفروشی بیشتر و ناش چرب تر است تا سرمایه گذاران انگیزه پیدا کنند و در هنر سرمایه گذاری کنند. حرف نادرستی هم نیست، اصلاً پیش از این که جنتی به سرمایه گذاران توصیه کند، در چند سال اخیر افرادی بوده اند که قسمتی یا تمام دارایی شان را از بخش دیگری به عرصه هنر آورده اند، اثر هنری خریداری کرده اند و فروخته اند و ضرر هم نکرده اند. افزایش تعداد گالری ها و صف نقاشان مجوز گالری دولتی است که این روزها هنر، حوزه مساعد و مناسب و سودآوری برای سرمایه گذاری است. سرمایه گذاری که معمولاً بی گذار به آب نمی زند با اصول و قواعد بازار و به دنبال سود بیشتر تابلوهای نقاشی و آثار مجسمه... را برای سرمایه گذاری انتخاب کرده اند که البته از مسیر رونق خرید و فروش آثار، هنر و هنرمند هم بی نصیب نخواهد ماند.

بخش دیگر حرف های وزیر ارشاد در بازدید از این نمایشگاه دعوت از مردم به تماشای آثار هنری است تا روزی روز گاری در آینده شاید همین مردم خریدار آثار شوند و شعار «هر خانواده ایرانی، یک اثر هنری» واقعیت پیدا کند. در این که افراد دیگری در آینده نزدیک سرمایه شان را به سمت هنر بیاورند چندان تردیدی نیست اما سخت می توان پذیرفت که مردم دعوت وزیر ارشاد را برای تماشای آثار هنری و در مرحله بعد خرید آثار هنری لایک بگویند. دور از ذهن است مردمی که حالا کمتر کتاب می خوانند به سرعت پایه ثابت گالری گردی ها و خرید آثار شوند. ۲۲ سال است هفته کتاب برگزار می شود تا افراد بیشتری ساعات بیشتری را کتاب بخوانند، در این هفته کتاب را قدر می دانند و بر صدر می نشاندند، نویسنده، مترجم، ناشر، کتاب دار و کتاب خوان تجلیل می شوند تا دیگران که پیوندی با کتاب ندارند ترغیب و تشویق شوند و با یار مهربان دوست شوند. واقعیت مورد اتفاق این است که سرانه کتاب خوانی ما بسیار پایین است و فقط در آمار این سرانه پایین، اختلاف نظر وجود دارد. «تئاتر برای همه» سال هاست شعار جشنواره بین المللی تئاتر فجر است اما این شعار از فرط شعار بودن و واقعیت نیافتن چنان شد که مسئولان هم یواشکی و آرام آرام از بیانش منصرف شدند.

وزیر ارشاد در مراسم تجلیل از کتاب داران گفت کاش خانواده ها به جای این که از ثروت و ماشین و خانه خواستگار و داماد سؤال کنند بپرسند که چقدر کتاب خوانده است و می خواند، ملاک ها و معیار ها کتاب خوانی و مطالعه باشد، آرزویی که شیرین اما محال است. امروز دیگر بهتری و برتری علم بر ثروت حتی در انشاهای هم جای ندارد. سرمایه گذاران ممکن است پیشنهاد و توصیه وزیر ارشاد را گوش کنند و برای کسب سود بیشتر آثار هنری را به طلا و برج سازی... ترجیح دهند اما نمی توان انتظار داشت که در آینده نزدیک مردم بیشتر کتاب بخردند و بخوانند و آثار هنری ببینند و بخردند.

نگاهی به نمایشگاه مجسمه ها و ویدئو چیدمان آویشی در خانه هنرمندان

یلان خفته در شاهنامه

مجسمه ها و ویدئو چیدمان هایی که حاصل کار ده سال گذشته حمیدرضا آویشی هستند تمام

گالری های طبقه اول خانه هنرمندان ایران را پر کردند. حمیدرضا آویشی که در سال ۱۳۴۲ در شهر زابل متولد شده برای دومین بار بعد از ده سال آثار خود را در خانه هنرمندان به نمایش گذاشته است. چیدمان این آثار از در ورودی خانه هنرمندان شروع می شود، چهار مجسمه معلق در فضا که رود روی هم قرار گرفته اند، مجسمه هایی کاملاً غیر معمولی که از مواد گوناگونی ساخته شده اند: چوب، فلز و... یکی تنها یک سر و صورت از چوب است و بال هایی دارد که به سر او وصل شده اند و او را شبیه یک موجود افسانه ای غریب کرده اند. از

دیگری سنگ هایی با طناب آویزان است. شمایل او شبیه به هیچ موجود شناخته شده ای نیست.

این را هم به خاطر داشته باشید که حمیدرضا آویشی، هنرمند مجسمه ساز معتقد است شعار «هنر نزد ایرانیان و بس» یک جمله بد است که به ما تحمیل شده زیرا امروز در هر نقطه جهان می توان هنر دید و درس گرفت. به هر حال مجسمه های چوبی آویشی اغلب شباهت هایی با صورتک های هنر آفریقایی دارد، با همان اجزای صورت اغراق شده و متورم. آویشی به این صورت تک ها شخصیت هایی گمگشته و بی خرد، در عین حال دوست داشتنی و مظلوم داده است. جایگاه قرار گیری صورت تک ها در مجموعه شان، موقعیت آن ها در بدنه ای که بسیار متفاوت از بدن واقع گرایانه انسانی است، احساساتی تازه و گاهی عمیق را در مخاطب بر می انگیزد که هر فرد تنها با مواجه شدن با خود اثر آن را می تواند دریابد. این هم یک نوع نگاه است.

در کنار این اما جالب است بدانید آویشی مردی از دیار سیستان و بلوچستان است، هنرمندی که دیدن خودش و آثارش تمام افکار نسل های امروز را نسبت به این دیار تغییر می دهد و دوباره اسطوره ها را جان می بخشد. از صورت سیرت گرفته تا اندیشه و مجسمه هایش همگی نشان از یلان خفته در شاهنامه دارند. نوبد بیداری می دهند آن زمان که برای پیشرفت دیار را ترک نگفته و پیشرفت را آرام دیار خود ساخته است.

از او می پرسیم که کارهای شما بیشتر بر مبنای علایق شخصی رقم می خورد یا برای نصب در فضای بیرونی به خلق اثر نگاه می کنید؟ می گوید: «کارهای من تاکنون بیشتر در ابعاد بزرگ و با متر یال آهن بوده است اما به واسطه ستم



شاید از این به بعد کمی ساده تر برخورد کنم، ولی آثار این نمایشگاه خیلی پرکار است، این ها به ظاهر چهره هستند اما روی آن ها بسیار کار شده است. برای ساخت بعضی از این چهره ها حدود دو سال صرف شده است. البته استفاده از این آثار در فضای بیرونی چند و چونی دارد اما من دوست دارم که کارهایم با فضا درگیر باشند، با طبیعت، معماری و... ولی به هر حال در مختصات فضای شهری کار نکرده ام. باید اضافه کنم که فضا یکی از عناصر اصلی کار من است، همچنان که ریتم، نور و سایه هستند. گاهی آثارم با هنر دیجیتال همگام می شود و یک اثر را تشکیل می دهند. از حجم های دیگری که در این نمایشگاه حضور داشتند به مجسمه های فلزی او می توان اشاره کرد که تعداد قابل توجهی از آن ها بازنمایی موجودی شبیه به پرند است. مجسمه های بزرگی که ظاهری متفاوت دارند و تقریباً می توان گفت هر کدام در حالت یا موقعیت خاصی هستند. مثلاً پرند کوچکی که با نوک بلند خود در حال گذاشتن سنگ هایی بر روی هم است، در حالی که خودش و سنگ های چیده شده بر روی دو پایه چوبی جدا از هم قرار دارند و ققنوس که تخم های طلایی خود را در لانه اش پنهان کرده و از آن ها محافظت می کند. مجسمه ققنوس و دو مجسمه دیگر با نام های گفتگوی تمدن ها و آدم و حوا پیش از این در پنجاه و سهمین بی نیال ونیز به نمایش در آمده است. درباره ققنوس گفته شده که پنج عدد تخم او نمادی از پنج قاره جهان است و حضور پرند بر بالای آن ها نشان از محافظت او از تمدن ها و فرهنگ ها، زمینی که روی آن زندگی می کنیم و نسلی است که هنوز به دنیا نیامده است.» گفتگوی تمدن ها اثر جالب توجه دیگری است که صورت دو انسان را بسیار نزدیک و روبه روی هم در حال گفتگو نشان می دهد. صورت این دو موجود طوری ساخته شده که شاید حتی بتواند فرهنگ های متفاوت شان را از چهره شان به نظر برساند. گویا یکی سخن می گوید و دیگری به او گوش می دهد. گویا یکی در سمت راست یکی و در سمت چپ دیگری به جای قسمتی از بدن آن ها قرار دارند. این می تواند همراه با فرم ایستا و آرام آن ها نشان از تعادلی باشد که از این گفتگو حاصل شده است. ترکیب بندی در این به نحوی است که احساس تعادل را در بیننده ایجاد می کند. حجم های دیگری که از او به نمایش گذاشته شده حجم هایی است که با تکنیک قالب گیری ساخته شده اند. او با چیدمان هایی با استفاده از ماهی، تور و موجودات دریایی فضای زیر دریا را بازنمایی کرده است و سپس با قالب گیری و گچ حجم هایی یک اندازه با رنگ روشن از آن ها ساخته که بر دیوار های گالری گذاشته شده اند. ترکیب بندی او در این آثار نیز قابل تحسین است. دو ویدئو چیدمان آویشی که در تالار پاییز و زمستان خانه هنرمندان برپاست دو بازنمایی از جامعه را از دیدگاه او نشان می دهد.

چیدمان اول مشک هایی ساخته شده از پوست گوسفند هستند که همه رو به یک سمت روی زمین چیده شده اند. روبه روی آن ها ویدئویی از سر

یک گوسفند که (به صورت دیجیتال ساخته شده) در حال پخش است. در حال حرارت دیدن صورت گوسفند تغییر حالت می دهد و صدای خنده جمعیتی به گوش می رسد.

چیدمان دوم تعداد زیادی از مجسمه هایی که از سر و صورت ساخته با همان شخصیت ها و حالت های طنز آمیز و اغراق شده بر سر پایه هایی قرار گرفته اند و به ویدئویی نگاه می کنند که حمام عمومی را نشان می دهد. با پخش ویدئو به صورت حرکت آهسته و افکت هایی که به آن داده شده است صدا و تصویر ریختن آب توسط دلاک بر سر یک مرد در حمام عمومی در نگاه اول کمی ترسناک و دلپره آور است. صورت تک ها همه با چهره هایی خندان با بی خیالی... در حال تماشای این ویدئو می بینند.

آویشی در اغلب آثارش از نمادهای گوناگون بر گرفته از فرهنگ های کهن، جهانی یا محلی استفاده می کند، اما چه مخاطب از این نمادها مطلع باشد و چه نباشد، چه پیام او را به طور کامل دریافت کند و بتواند به زبان بیاورد و چه نتواند نمی توان گفت که با اثر او ارتباط برقرار نمی کند. احساسی که از برخی آثار آویشی منتقل می شود جدا از پیام های قابل بیان با کلام می تواند اثر خود را در ذهن بیننده به جای بگذارد. در کنار همه این ها از این هنرمند می پرسیم: مردم ایران هنوز خیلی عادی به مجری طرح در کار هنرهای تجسمی ندارند و در این زمینه خیلی فرهنگ سازی نشده است که می گوید: «خب باید روی جامعه کار کرد، ما جامعه بسیار خوبی داریم. در مورد من از بسرم که خودش آرتیست است با من همکاری می کند تا دوستان، اقوام و همشهری ها و شاگردانم، البته لفظ شاگرد صلاح نیست چون امروزه دوره استاد و شاگردی نیست به آن معنا. بدون تعارف خود من هم تربیت هم منظور بود. به دانشگاه تهران که رفتم اول کمی توی ذوق خورد تا این که استاد و یکتو دارش را دیدم که یکی از معلم های هنری است که متأسفانه ما در جامعه قدرش را نمی دانیم. ایشان برای من در آموزش پرسش ایجاد می کرد. من در رشته نقاشی بودم ولی عملاً همیشه در کارگاه های حجم بودم و از حضور و شخصیت ایشان هم بهره می بردم و می توانم بگویم از آنجا به کارهایم جهت دادم.»

آویشی در اغلب آثارش از نمادهای گوناگون بر گرفته از فرهنگ های کهن، جهانی یا محلی استفاده می کند، اما چه مخاطب از این نمادها مطلع باشد و چه نباشد، چه پیام او را به طور کامل دریافت کند و بتواند به زبان بیاورد و چه نتواند نمی توان گفت که با اثر او ارتباط برقرار نمی کند

یک گوسفند که (به صورت دیجیتال ساخته شده) در حال پخش است. در حال حرارت دیدن صورت گوسفند تغییر حالت می دهد و صدای خنده جمعیتی به گوش می رسد. چیدمان دوم تعداد زیادی از مجسمه هایی که از سر و صورت ساخته با همان شخصیت ها و حالت های طنز آمیز و اغراق شده بر سر پایه هایی قرار گرفته اند و به ویدئویی نگاه می کنند که حمام عمومی را نشان می دهد. با پخش ویدئو به صورت حرکت آهسته و افکت هایی که به آن داده شده است صدا و تصویر ریختن آب توسط دلاک بر سر یک مرد در حمام عمومی در نگاه اول کمی ترسناک و دلپره آور است. صورت تک ها همه با چهره هایی خندان با بی خیالی... در حال تماشای این ویدئو می بینند. آویشی در اغلب آثارش از نمادهای گوناگون بر گرفته از فرهنگ های کهن، جهانی یا محلی استفاده می کند، اما چه مخاطب از این نمادها مطلع باشد و چه نباشد، چه پیام او را به طور کامل دریافت کند و بتواند به زبان بیاورد و چه نتواند نمی توان گفت که با اثر او ارتباط برقرار نمی کند. احساسی که از برخی آثار آویشی منتقل می شود جدا از پیام های قابل بیان با کلام می تواند اثر خود را در ذهن بیننده به جای بگذارد. در کنار همه این ها از این هنرمند می پرسیم: مردم ایران هنوز خیلی عادی به مجری طرح در کار هنرهای تجسمی ندارند و در این زمینه خیلی فرهنگ سازی نشده است که می گوید: «خب باید روی جامعه کار کرد، ما جامعه بسیار خوبی داریم. در مورد من از بسرم که خودش آرتیست است با من همکاری می کند تا دوستان، اقوام و همشهری ها و شاگردانم، البته لفظ شاگرد صلاح نیست چون امروزه دوره استاد و شاگردی نیست به آن معنا. بدون تعارف خود من هم تربیت هم منظور بود. به دانشگاه تهران که رفتم اول کمی توی ذوق خورد تا این که استاد و یکتو دارش را دیدم که یکی از معلم های هنری است که متأسفانه ما در جامعه قدرش را نمی دانیم. ایشان برای من در آموزش پرسش ایجاد می کرد. من در رشته نقاشی بودم ولی عملاً همیشه در کارگاه های حجم بودم و از حضور و شخصیت ایشان هم بهره می بردم و می توانم بگویم از آنجا به کارهایم جهت دادم.»

OMINOUS SEED
FILM by Karim Atashi

لاله اسکندری
سام درفشانی
مهرداد کاسبی
ولی الله مومنی

بازیگران: کلاب آدینه
مدیر فیلمبرداری: علی اللهبیاری
تدوین: سهراب میرسیاسی
موسیقی متن: آرا داوودیان
طراح کریم: سیاوش کرجستانی
صداپردازان: محمود سماک باشی
نستیار اول کارگردان ویرژانه ریز:
محمد رضاعیدالله زاده (موسود)
مجری طرح و مدیر تولید:
محمد ظاهری

نطفه شلوم
نویسنده و کارگردان: کریم آتاشی

شراره دولت آبدی / سیروس کرجستانی / سیامک اطلسی / محمد پورستار / جلیل فرجاد / آرزو افشار / مهوش وفاری / فریده گلشن / علی هو بخت / امیرا میرت

مختصان موسسه فرهنگی هنر هفتک با مشاور کت دینا سیلیمایی فارابی
تهیه کننده: کریم آتاشی

محمدرضا شریفی نیا
سحر قریشی

فاطمه گودرزی
فرزاد حسنی

آنیبه مردان
درباره زنان
نمی دانند

کارگردان: قربان محمدپور، تهیه کننده: حسن دادخواه
نویسنده: قربان محمدپور، مدیر فیلمبرداری: حسن پوپاطراح صحنه و لباس: مهدی دبلیس
طراح کریم: قربان انصار و هادی قالیچانی، تدوین: مجید شش، موسیقی: امیر توسلی
گرافیک: ژاله گروه سوادگزار، آرش برومند، صداگزار: آرش قاسمی، صدای: فریدون آصوابی
پخش فیلمیران
www.filmiran.com